علی(ع) تفسیر کتاب‌الله

■ مرتضی محمودیان

امیر مومنان امام علی(ع) در اسلام پس از پیامبر(ص) در برترین جایگاه قرار داشته و فضایل و مقامات بسیاری برای آن حضرت(ع) بیان شده است. نویسنده در این مطلب به تشریح برخی از فضایل و مقامات آن حضرت بر اساس آیات و روایات پرداخته است.

* * *

فضایل و مقامات علوی

امام علی بن ابی طالب(ع) در آموزه‌های قرآنی به عنوان نفس پیامبر(آل‌عمران، آیه ۶۱)، ولی‌الله (مائده، آیه ۵۵)، ابرار (انسان، آیات ۵ و ۹) مردان اعراف(اعراف، آیه ۴۶)، اهل بیت(احزاب، آیه ۳۳)، مقربان(واقعه،آیات ۱۰ تا ۱۴)، مجاهد فی سبیل‌الله (توبه، آیه ۱۹)، حافظ علم پیامبر (حاقه، آیه ۱۲)، حامی و ناصر پیامبر(انفال، آیه ۶۲؛ تحریم آیه ۶)، ذی‌القربی(انفال،آیه ۴۱؛ اسراء آیه ۲۶)، خیر البریه(بینه،آیه ۷)، سابقون(توبه، آیه ۱۰۰؛ واقعه، آیه ۱۰)، کلمه طیبه(ابراهیم، آیه ۲۴)، شاخه شجره طیبه(همان)، صالح المومنین(تحریم، آیه ۴)، صادقین(توبه، آیه ۱۱۹)، عبدالله(انسان، آیه ۶)، معصوم(احزاب، آیه ۳۳)، مطهر (همان)، عالم الکتاب(رعد، آیه ۴۳)، شاهد و گواه اعمال امت(همان؛ بقره آیه ۱۴۳، شاهد بر رسالت و نبوت(هود، آیه ۱۷؛ رعد،آیه ۴۳)، منادی برائت(اعراف،آیه ۴۴؛ توبه، آیه ۳)، مناجی پیامبر(مجادله، آیه ۱۲)، وافی نذر(انسان، آیه ۷)، صادق در عهد(احزاب، آیه ۲۳)، مهاجر سبیل‌الله(ال عمران، آیه ۱۹۵؛ توبه، آیه ۱۰۰)، هادی انتخابی پیامبر(یونس، آیه ۳۵)، یتیم‌نواز(انسان، آیه ۸)، مخلص و اهل اخلاص(همان)، محب‌الله(همان)، فقیرنواز (همان)، اسیرنواز (همان)، ایثارگر (همان)، خائف‌الله (همان)، خائف قیامت (همان)، اطعام‌گر (همان)، مظهر توحید(انعام، آیه ۸۲)، انفاق‌گر آشکار و نهان(مائده، آیه ۵۵؛بقره، آیه ۲۴۷)، منتظر شهادت(احزاب، آیه ۲۳)، اهل ذکر(نحل، آیه ۴۳؛ انبیاء آیه ۷)، مکمل دین و انعام‌گر نعمت(مائده، آیه ۳)، خلیفه‌الله(اسراء،آیه ۲۶) و ده‌ها صفت و عنوان دیگر در آیات و روایات تفسیری بیان شده و پیامبر(ص) این آیات و عناوین و صفات را بر ایشان تطبیق کرده و آن بزرگوار را مصداق این عناوین و صفات و همانند آنها دانسته است.

امام علی(ع) مفسر کتاب‌الله

قرآن کتاب روشن و روشنگری است. از این رو خود را به عنوان تبیان (نحل، آیه ۸۹) و کتاب مبین(مائده، آیه ۱۵) معرفی می‌کند. قرآن کتابی است که می‌توان آن را این‌گونه توصیف کرد: «یفسر بعضه بعضه؛ برخی برخی دیگر را تفسیر می‌کند». لذا خود را با عباراتی چون مثانی (زمر، آیه ۲۳) و ام‌الکتاب(آل عمران، آیه ۷) معرفی می‌کند و به مسئله تناظر آیات به یکدیگر و امکان رجوع متشابهات به محکمات به عنوان مادر و مرجع آنها اشاره دارد.

با این همه قرآن خود را نیازمند تبیین دانسته است؛ زیرا در کتاب‌الله، مطلق و مفید، محکم و متشابه، عام وخاص، مجمل و مبین و مانند آن وجود دارد که نیازمند تبیین است. خداوند مسئولیت تبیین را نخست بر عهده پیامبر(ص) گذاشته و او را به عنوان مفسر معرفی می‌کند و می‌فرماید: و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون؛ بر تو قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است برایشان بیان کنی و باشد که بیندیشند. (نحل، آیه ۴۴)

البته نقش تفسیرگری و تبیین‌گری پیامبر(ص) فراتر از بیان ساده و توضیح معمولی است. خداوند در آیه ۴۶ سوره نحل می‌فرماید: و ما انزلنا علیک الکتاب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه و هدی و رحمةً لقوم یومنون؛ و ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند، برای آنان توضیح دهی و آن برای مردمی که ایمان می‌آورند، رهنمود و رحمتی است.

پس مسئولیت تبیین‌گری فراتر از آن تفسیر ساده است. این مطلب را می‌توان از آیه ۷ سوره حشر به دست آورد که خداوند می‌فرماید: و ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا؛ هر چه پیامبر به شما داد بستانید و از هر چه شما را منع کرد اجتناب کنید.

از همین رو سخن پیامبر(ص) فصل‌الخطاب در همه امور حتی قضاوت و حکم در مسائل قضائی است. (نساء، آیه ۵۹، احزاب، آیه ۳۶)

این مسئولیت تنها به پیامبر(ص) اختصاص ندارد، بلکه از آیه ۷ سوره آل عمران به دست می‌آید که افرادی به عنوان «الراسخون فی العلم» یعنی علم کتاب‌الله از محکم و متشابه نیز این مسئولیت را به عهده دارند. اینان همان عالم الکتاب (رعد، آیه ۴۳)، اهل الذکر(نحل، آیه ۴۳؛ انبیاء آیه ۷) و مانند آن هستند که باید از آنان پرسید.

از آیات و روایات تفسیری به دست می‌آید که اینان جز اهل بیت عصمت و طهارت (احزاب، آیه ۳۳) کسی دیگر نخواهد بود که به عنوان ولی‌الله (مائده، آیه ۵۵)، اولوالامر(نساء، آیه ۵۹) و خلیفه‌الله (اسراء، آیه ۲۶) معرفی شده‌اند.

بر همین اساس پیامبر اکرم(ص) روز عید غدیر درباره مقامات و فضایل امیر مومنین امام علی(ع) فرموده است: علی تفسیر کتاب خدا و دعوت‌کننده به سوی خداست، آگاه باشید که حلال و حرام بیش از آنست که من معرفی و به آنها امر و نهی کنم و بشمارم. پس دستور داشتم که از شما عهد و پیمان بگیرم که آنچه را که در مورد علی امیر مومنان و امامان بعد او از طرف خداوند بزرگ آوردم، بپذیرید. ای مردم! اندیشه کنید و آیات الهی را بفهمید، در محکمات آن دقت کنید و متشابهات آن را دنبال نکنید. به خدا قسم هرگز کسی نداهای قرآن را نمی‌تواند بیان کند و تفسیر آن را روشن کند، جز آن کسی که من دست او را گرفته‌ام و او را معرفی کردم. (وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۴۲، حدیث ۴۳)

*** از حضرت علی(ع) نقل شده است که فرمود: قسم به کسی که جانم به دست اوست هیچ آیه‌ای نازل نشده است، مگر اینکه من می‌دانم کجا نازل شده و درباره چه کسی نازل شده است».**

علی(ع) و فرزندانشان، ناطقان قرآن

روایات فراوانی است که حضرت علی(ع) و همچنین فرزندانش «لسان و کتاب ناطق الهی و قرآن ناطق» هستند. ابوبصیر گوید: درباره آیه «هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق» از امام صادق(ع) پرسش کردم، ایشان فرمودند: «قرآن سخن نمی‌گوید: لیکن محمد و اهل بیت او (ع) ناطق به کتاب - یعنی قرآن - هستند. (بحارالانوار ج ۲۳،ص ۱۹۸ - ۱۹۷،حدیث ۲۹؛ تاویل الایات الظاهرةً، سید شریف‌الدین استرآبادی، ص ۵۶۰-۵۵۹)

امام صادق(ع) در حدیثی دیگر فرمود: «امیر مومنان(ع) می‌فرماید: من علم خداوند و... زبان گویای خداوند... هستم. (التوحید، شیخ صدوق، ص ۱۶۴، بحارالانوار،ج ۲۴، ص ۱۹۸، ح ۲۵) در روایات تعبیرهایی چون «لسانه الناطق»(الکافی، ج ۱،ص ۱۴۴، ح ۱؛ التوحید، شیخ صدوق، ص ۱۵۲،ح ۹)، «انا الکتاب الناطق؛ ما زبان ناطق خداوند هستیم»(بحارالانوار، ج ۳۹، ح ۵، ص ۲۷۲)، «انا کلام‌الله الناطق» (همان، ج ۷۹،ص ۱۹۹)، «الناطق بالقرآن:(عیون اخبار الرضا(ع)، شیخ صدوق، ج ۱،ص ۵۴، ح ۲۰)، «الناطق عن القرآن»(همان، ج ۲، ص ۱۲۱، ح ۱) مطرح است که بیانگر مفسر بودن اهل بیت عصمت و طهارت نسبت به قرآن وکتاب‌الله است.

پس امیر مومنان امام علی(ع) و فرزندانش مفسر واقعی قرآن، مظهر علم الهی و عالم به کلیه علوم مربوط به قرآن هستند. در روایات اهل‌سنت نیز آمده است که: «من عنده علم الکتاب؛ کسی که علم کتاب و قرآن نزد اوست» در آیه ۴۳ سوره رعد، همان علی بن ابی‌طالب است که به تفسیر، تاویل، ناسخ منسوخ، حلال و حرام قرآن عالم بود. (ینابیع الموده، القندوزی، ج ۱،ص ۳۰۸، ح ۱۱؛ شواهد التنزیل، الحاکم الحسکانی، ج ۱، ص ۴۰۵، ح ۴۲۷)

از حضرت علی(ع) نیز نقل شده است که فرمود: «فوالذی نفسی بیده ما نزلت آیه الا و انا اعلم بها این نزلت و فیمن نزلت؛ قسم به کسی که جانم به دست اوست هیچ آیه‌ای نازل نشده است، مگر اینکه من می‌دانم کجا نازل شده و درباره چه کسی نازل شده است» (شواهد التنزیل، همان، ج ۱، ص ۴۲-۴۰، ح ۳۵)

آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «پیامبر به من هزار باب علم آموخت، که از هر بابی هزار باب دیگر گشوده می‌شد، تا اینکه به علم گذشته و آینده تا روز قیامت آگاه شدم». (ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۳۱،ح ۷۰)

همچنین در روایت آمده است: «حضرت علی(ع) شب تا صبح برای ابن‌عباس تفسیر باء بسم‌الله را می‌گفت و فرمود: اگر بخواهی از تفسیر فاتحه هفتاد شتر بار می‌کنم» (ینابیع، المودةً، همان، ج ۳، ص ۲۰۹، باب ۶۹)

و در جای دیگر فرمود: «انا ترجمان وحی‌الله؛ من ترجمان وحی الهی هستم» (احقاق الحق، التستری، ج ۴، ص ۳۳۲) رسول خدا نیز درباره آن حضرت می‌فرماید: «انت باب علمی و الایمان مخالط لحمک و دمک کما خالط لحمی و دمی؛ تو باب علم منی... و ایمان با گوشت و خون تو درآمیخته، همان‌گونه که با گوشت و خون من درآمیخته است.(ینابیع، الموده، ج ۱، ص ۳۹۲، ج ۴)

رسول خدا(ص) در بیان این مطلب فرمود: ای علی، من شهر علمم و تو درب آن هستی، به شهر جز از راه درب آن وارد نشوند. ... تو پیشوای امت من و جانشین من در این شهری، کسی که اطاعت تو کند سعادتمند است و کسی که تو را نافرمانی کند، بدبخت است و دوستدار تو سود برده و دشمن تو زیان کرده است(جامع‌الاخبار، ص ۵۲، حدیث ۹)

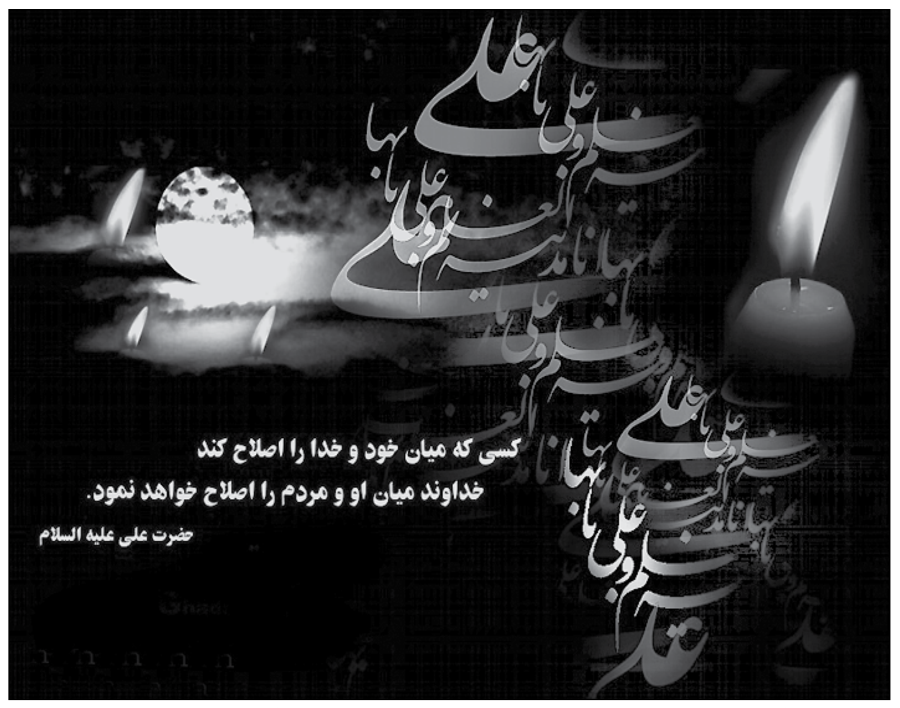
کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند
خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد نمود.
حضرت علی علیه السلام

*** انتخاب ولی‌الله و مفسر واقعی قرآن، به این معناست که پس از پیامبر(ص) راه حق ادامه خواهد یافت و رهبرانی خواهند آمد که مردم را پیشوایی کرده و از گمراهی برهانند.**

تفسیر واقعی قرآن

حقیقت تفسیر قرآن بر اساس آیات و روایات، اجرا و اقامه آن در جامعه است؛ از همین رو خداوند وقتی از تفسیر پیامبر(ص) سخن می‌گوید: از فصل‌الخطاب بودن او در همه امور سخن به میان می‌آورد، به‌طوری که هر چه پیامبر(ص) گفت باید اطاعت شود؛ زیرا اطاعت ایشان عین اطاعت از خداوند است.(آل عمران، آیات ۳۱ و ۳۲ و ۱۳۲)

اگر کسی بخواهد در برابر نص پیامبر(ص) اجتهاد کند و برای خودش اختیاری فرض نماید، به گمراهی رفته است. (نساء، آیه ۵۹، احزاب، آیه ۳۶) پس هر چه آن حضرت(ص) امر و نهی کرد باید اطاعت شود و خلاف آن رفتار نشود. (حشر، آیه ۷)

بنابراین، تفسیر واقعی قرآن همان اقامه و اجرای مفاد و محتوای آن در جامعه است. اگر شبهات علمی است باید با مراجعه به تفسیر قرآن ناطق، آن فتنه و شبهه برطرف شود و با محکمات کلام نص رسول‌الله متشابهات تاویل برده شود. (آل عمران، آیه ۷) پیامبر(ص) صاحب ذکر یعنی قرآن است و باید از آن حضرت که صاحب قرآن است سؤال و پرسش شود. (نحل، آیه ۴۳؛ انبیاء، آیه ۷)

و اگر در جامعه فتنه‌ای نظامی و امنیتی و اقتصادی و مسئله و معضل اجتماعی و سیاسی است باید با مراجعه به مفسران واقعی آن را حل و فصل کرد و براساس آن حکم و تفسیر، عمل نمود. (نساء، آیه ۵۹)

این تفسیرگری واقعی و حقیقی قرآن و کتاب‌الله به‌عنوان یک مسئولیت الهی به انتخاب و اختیار الهی و نصب خداوندی در روز عید غدیر به امیرمؤمنان امام علی(ع) و سپس دیگر اوصیا و اولیای الهی سپرده شده است. (مائده، آیات ۳ و ۵۵ و ۶۷)

رسول خدا(ص) می‌فرماید: ولایه علی‌بن ابیطالب ولایه الله و حبه عبادةالله و اتباعه فریضه الله و اولیاوه اولیاء الله و اعداوه اعداء الله و حربه حربه‌الله و سلمه سلم الله عز و جل؛ ولایت علی‌بن ابی‌طالب ولایت خداست، دوست داشتن او عبادت خداست، پیروی کردن او واجب الهی است و دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان خدایند، جنگ با او، جنگ با خدا و صلح با او، صلح با خدای متعال است. (امالی، صدوق، ص ۳۲)

انتخاب ولی‌الله و مفسر واقعی قرآن، به این معناست که پس از پیامبر(ص) راه حق ادامه خواهد یافت و رهبرانی خواهند آمد که مردم را پیشوایی کرده و از گمراهی برهانند. این در حالی است که دشمن آشکار انسان یعنی ابلیس لعین در انتظار بود تا با خاتمیت پیامبران دست او بازتر شده و او بتواند به گمراهی مردم بپردازد و آنان را به دوزخ رهنمون شود. اما انتخاب اولیای الهی به ویژه امیرمؤمنان امام علی(ع) موجب نومیدی رهبر گمراهان و کافران و اولیای او شد. این‌گونه است که فریادی از نومیدی سر داد.

امام باقر(ع) از پدر بزرگوارش امام صادق(ع) نقل کرد که فرمود: شیطان، دشمن خدا چهار بار ناله کرد: روزی که مورد لعن خدا واقع شد و روزی که به زمین هبوط کرد و روزی که پیامبر اکرم(ص) مبعوث شد و روز عید غدیر. (قرب الاسناد، ص ۱۰)

به هر حال، تفسیر واقعی قرآن همان اجرا و اقامه قرآن است که توسط امامان معصوم انجام می‌گیرد و هم آنان باید در قیامت آنچه را در دوره و عصر خویش دیده‌اند شهادت دهند (توبه، آیه ۱۰۵) و همانها نیز به‌عنوان امام و پیشوایانی قرار می‌گیرند که امت‌ها در پشت سر آنان صف می‌بندند و هر کسی به نام امام زمان خودش خوانده می‌شود و کتاب اعمال خودش در قالب اعمال شخصی و اجتماعی در دستشان نهاده می‌شود. (اسراء، آیه ۷۱)

*** تفسیرگری واقعی و حقیقی قرآن و کتاب‌الله به‌عنوان یک مسئولیت الهی به انتخاب و اختیار الهی در روز عید غدیر به امیرمؤمنان امام علی(ع) و سپس دیگر اوصیا و اولیای الهی سپرده شده است.**

امام زمان(عج) محل نزول فرشتگان شب قدر

■ علی جواهردهی

شب قدر یکی از شب‌های گرانقدر در ماه رمضان است. در این شب فرشتگان و روح اعظم بر زمین نزول می کنند و مقدرات الهی را برای یک سال به حجت و خلیفه الهی می‌رسانند. نویسنده در این مطلب به تبیین محل نزول فرشتگان پس از رحلت رسول‌الله(ص) پرداخته است.

شب قدر در ماه رمضان

بر اساس آیات و روایات متواتر و اجماع معنوی قطعی، شب قدر یکی از شب‌های ماه رمضان است. خداوند در آیه نخست سوره قدر می‌فرماید که قرآن در شب قدر نازل شده است. در آیه سوم سوره دخان آن شب را شب مبارکی دانسته که خیر و برکت ماندگار بر بشریت نزول یافته است. در آیه ۱۸۵ سوره بقره نیز می‌فرماید: شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان؛ ماه رمضان همان ماه است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، کتابی که مردم را راهبر و متضمن دلایل آشکار هدایت و میزان تشخیص حق از باطل است.

از مجموعه این سه دسته آیات به دست می‌آید که شب قدر که شب مبارکی است در ماه رمضان قرار دارد که قرآن در آن ماه نازل شده است. این شب عظیم و مبارک قدر، چنانکه از روایات برمی‌آید، بی‌گمان در دهه سوم آن یعنی شب‌های ۲۱ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۷ قرار دارد.

جایگاه زمان و مکان در نزول امر الهی

شب قدر از زمان پیدایش و آفرینش دنیا وجود داشته است؛ زیرا زمان، جزو ذاتی اجسام همانند طول و عرض و عمق است و وقتی جسم آفریده می‌شود به طور طبیعی زمان نیز آفریده می‌شود البته خداوند و بسیاری از مجردات طولی و عرضی که از آنان به نام فرشتگان یاد می‌شود، بیرون از زمان و فوق آن قرار دارند؛ زیرا چنانکه گفته شد زمان از لوازم ذاتی جسم است و خداوند و مجردات جسم ندارند. بنابراین پرسش از زمان در باره این موجودات مجرد، پرسشی بی‌معناست.

از آنجایی که امر الهی در زمان و مکان جاری می‌شود برخی از زمان‌ها و مکان‌ها ارزش و اعتباری بیشتر می‌یابد. بر اساس آیات قرآن برخی از زمان‌ها و مکان‌ها اختصاص به امر الهی دارد. به عنوان نمونه امری الهی در آسمان مادی و جسمانی جاری می‌شود ولی در زمین مادی نیست. از همین رو به صراحت می‌فرماید: فقضاهن سبع سماوات فی یومین و اوحی فی کل سماء امرها و زینا السماء بمصابیح و حفظا ذلک تقدیر العزیز العلیم؛ پس آنها را به صورت هفت آسمان، در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار مربوط به آن را وحی فرمود و آسمان این دنیا را به چراغ‌ها آذین کردیم و آن را نیک نگاه داشتیم، این است اندازه‌گیری آن نیرومند دانا.(فصلت، آیه ۱۲)

علت مبارکی شب قدر و استمرار آن

پس امر الهی در همه آسمان‌ها و در همه زمان‌ها جاری و ساری است. با این همه برخی از زمان‌ها و مکان‌ها از ارزش برتر و موقعیت بهتری برخوردار است. از جمله این زمان‌ها شب قدر است که از آغاز خلقت از جایگاهی خاص برخوردار بوده است. علت مبارکی شب قدر تنها اختصاص به نزول قرآن در آن ندارد، بلکه به دلایل دیگری از جمله شب تقدیرات هستی است که به آن ارزش و اعتبار ویژه‌ای بخشیده است. بر اساس برخی از روایات، پس از نزول حضرت آدم(ع) به زمین، فرشتگان، امر الهی را به این خلیفه الهی در شب قدر می‌رساندند.

در روایتی از پیامبر(ص) نقل شده که آن حضرت(ص) فرمود: هر کسی شب قدر را احیا کند عذاب از او تا سال آینده دور می‌شود در ادامه آمده که آن حضرت(ص) فرمود: حضرت موسی(ع) به خداوند عرضه داشت: خدایا قربت را می‌خواهم. خداوند فرمود: تقرب به من در بیداری شب قدر است. حضرت موسی(ع) گفت: خدایا! رحمت تو را می‌خواهم. خداوند فرمود: رحمت من در رحم به مسکینان در شب قدر است. حضرت گفت: خدایا مجوز عبور از صراط را می‌خواهم. فرمود: برات عبور برای کسی است که در شب قدر صدقه دهد. حضرت گفت: خدایا درختان بهشت و میوه‌هایش را می‌خواهم. خداوند فرمود: از آن کسی است که در شب قدر تسبیح گوید. حضرت گفت: خدایا نجات از آتش را می‌خواهم. خداوند فرمود: برای کسی است که در شب قدر استغفار کند. حضرت گفت: خدایا رضایت و خشنودی تو را می‌خواهم. خداوند فرمود: برای کسی است که دو رکعت نماز در شب قدر بجای آورد. (بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۴۵)

از این حدیث معلوم می‌شود که ارزش و اعتبار و مبارکی شب قدر تنها به سبب نزول قرآن در آن نبوده است، بلکه به اسباب دیگری نیز هست.

از آیات سوره قدر به دست می‌آید که یکی از علل و اسباب ارزشمندی شب قدر همان نزول فرشتگان به همراه روح اعظم برای تقدیرات عالم هستی است. بنابراین، شب قدر با رحلت حضرت رسول الله(ص) پایان نمی‌یابد و این شب به دلیل نزول مقدرات بر حجت الهی، استمرار دارد. از امام صادق(ع) درباره شب قدر سوال شد که: آیا شب قدر زمانی بود و دیگر نیست یا هر سال تکرار می‌شود؟ آن حضرت(ع) پاسخ داد: اگر شب قدر برداشته شود قرآن هم با آن برداشته می‌شد. (علل الشرایع ج ۲ ص ۷۵؛ بحارالانوار،ج ۹۷، ص ۱۷)

*** امام جواد(ع) از امیرالمؤمنین(ع) روایت می‌کند که ایشان به عبدالله ابن عباس فرمود: شب قدر در هر سالی است و در آن شب هر امر آن سال نزول می‌یابد و برای این امر پس از رسول‌الله و رحلت ایشان نیز اولیایی است. ابن‌عباس گفت: آنان کیانند؟ حضرت(ع) فرمود: من و یازده تن از صلب من که آنان امامانی محدث هستند که فرشتگان با آنان حدیث می گویند.**

لیلة القدر
شب قدر
امام علی علیه السلام:
فخر کردن انسان به خودش،
نشانه کم عقلی او می باشد.
(اصول کافی، ۲۷/۱)

*** از آیات سوره قدر به دست می‌آید که یکی از علل و اسباب ارزشمندی شب قدر همان نزول فرشتگان به همراه روح اعظم برای تقدیرات عالم هستی است. بنابراین، شب قدر با رحلت حضرت رسول الله(ص) پایان نمی‌یابد و این شب به دلیل نزول مقدرات بر حجت الهی، استمرار دارد.**

در روایات از شب قدر به عنوان قلب ماه رمضان یاد شده است که خود بر ارزش این شب تاکید دارد. (بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۳۲۶) در این شب اعمال بسیاری بیان شده که از جمله آنها شب‌زنده‌داری، غسل، نماز، قرائت قرآن، دعا، زیارت قبر امام حسین(ع) و مانند آنها است (بحار، ج ۹۶، ص ۳۷۹؛ ج ۵۶، ص ۳۲۶)

شب قدر، مقدرات سالانه

خداوند به صراحت در آیات ۳ و ۴ سوره دخان می‌فرماید: انا انزلناه فی لیله مبارکه انا کنا منذرین فیها یفرق کل امر حکیم؛ ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم؛ زیرا که ما هشداردهنده بودیم. در آن شب هرگونه کاری به نحوی استوار فیصله می‌یابد.

در روایات درباره «فیها یفرق کل امر حکیم» آمده است: خداوند در آن شب اجل‌ها و روزی‌ها و هر چیزی را که اتفاق می‌افتد از مرگ و زندگی و تر و خشک و خوب و بد و خیر و شر را مقدر می‌کند. (بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۴ تا ۱۹)

سلمان مروزی می‌گوید به امام رضا(ع) عرضه داشتم: آیا به من خبر نمی‌دهی در باره انا انزلناه فی لیله القدر که در چه چیزی نازل شد؟ حضرت(ع) فرمود: ای سلمان! شب قدر شبی است که خداوند در آن از سالی تا سال دیگر هر چیزی از زندگی و مرگ و خوب و بد و روزی را مقدر می‌کند. پس چیزی که در آن شب مقدر شده باشد آن چیز حتمی و قطعی است و تغییر نمی‌یابد. (عیون اخبار الرضا(ع) ج ۱ ص ۱۸۲؛ بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۴)

نزول امر الهی و مقدرات به حجت الهی

بر اساس آموزه‌های وحیانی قرآن و تفاسیر و روایات معتبر مذکور، نزول امر الهی به دست روح اعظم و همراهی فرشتگان، بر حجت و خلیفه الهی است. این امر از زمانی که حضرت آدم(ع) بر زمین به عنوان خلیفه انتخاب شده تا آخر زمان و جمع شدن آسمان و زمین استمرار خواهد یافت. خداوند در آیه ۴ سوره دخان با آوردن فعل مضارع «یفرق» و در آیه ۴ سوره قدر با فعل مضارع «تنزل» از استمرار نزول روح و فرشتگان به زمین برای ابلاغ امر الهی سخن به میان آورده و می‌فرماید: تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر در آن شب فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری که مقرر شده است، فرود می‌آیند.

این فرود نمی‌تواند بر هر کسی باشد، بلکه محل نزول می‌بایست کسی باشد که خلیفه و حجت خداوند است و چون زمین خالی از حجت و خلیفه الهی نیست، پس باید گفت که این نزول و محل نزول، جز امام زمان هر دوره‌ای پس از رحلت رسول الله(ص) نخواهد بود که امروز امام زمان همان قائم آل محمد(ص) است.

امام جواد(ع) از امیرالمؤمنین(ع) روایت می‌کند که ایشان به عبدالله ابن عباس فرمود: شب قدر در هر سالی است و در آن شب هر امر آن سال نزول می‌یابد و برای این امر پس از رسول‌الله و رحلت ایشان نیز اولیایی است. ابن‌عباس گفت: آنان کیانند؟ حضرت(ع) فرمود: من و یازده تن از صلب من که آنان امامانی محدث هستند که فرشتگان با آنان حدیث می‌گویند. (بحارالانوار،ج ۹۷، ص ۱۵)

پیامبر(ص) نیز به اصحاب خویش فرمود: آمنوا بلیلةً القدر، انها تکون لعلی بن ابی‌طالب(ع) و ولده الاحد عشر من بعدی؛ به شب قدر ایمان بیاورید؛ زیرا که آن شب برای علی‌بن ابیطالب(ع) و یازده فرزندش از پس وی است. (الخصال ج ۲ ص ۷۹، الکافی ج ۱ ص ۲۴۲؛ بحارالانوار ج ۹۷، ص ۱۵)

چگونگی اطلاع امام(ع) بر شب قدر

شب قدر در دهه سوم ماه رمضان نهان است و از همین رو در روایت، این دهه به عنوان لیالی قدر معرفی می‌شود. البته برخی از شب‌ها به عنوان این‌که شب قدر باشد قوی‌تر و روشن‌تر است که از جمله آنها شب‌های ۲۱ و ۲۳ و ۲۷ ماه رمضان است.

از آنجا که این شب‌ها در دهه سوم مخفی است، برای برخی از یاران امامان(ع) این پرسش مطرح شده که ایشان چگونه از شب قدر اطلاع می‌یابند و می‌فهمند که امشب شب قدر است.

امام باقر(ع) در این باره به یکی از اصحاب خویش این‌گونه می‌فرماید: ای ابا مهاجر! شب قدر بر ما پوشیده و نهان نیست؛ زیرا فرشتگان در آن شب به طواف ما می‌آیند و دور ما می‌گردند.(تفسیر القمی: ۶۱۵ فی سورةً الدخان؛ بحارالانوار، ج۹۷، ص ۱۳)

صفات اولیا و اوصیای محل نزول فرشتگان

براساس آیات قرآن انسان، برتر از فرشتگان، و خلیفه بر آنان است. لذا باید آنان بر انسان کامل و معصوم(ع) سجده برند و از او اطاعت کرده و به فرمانش گوش جان سپارند.

خلیفه الهی که امروز امام زمان(عج) است هم، از علم الاسماء بهره‌مند است (بقره، آیات ۳۰ و ۳۱) و هم دارای علم لدنی است. (کهف، آیه ۶۵) این در حالی است که فرشتگان، توانایی و ظرفیت آن را ندارند که مستقیم از علوم خاص الهی و از علم لدنی بهره‌مند شوند؛ زیرا تنها در همان حد ظرفیت دارند که علم مستقیم می‌گیرند و بسیاری از علوم را نمی‌توانند دریافت کنند چرا که استعداد و ظرفیت آن را ندارند و تنها در حد خبر می توانند از آن سود برند که چیزی شبیه علم حصولی در ما انسان‌هاست. اینان برای انجام کارها و امور الهی می‌بایست به خدمت خلیفه الهی برسند.

براساس روایات، وصی هر پیامبری در سطح همان پیامبر خودش، از علم الهی سود می برد؛ زیرا این علوم از قبیل علوم وصایت است. پس وصی پیامبر(ص) در سطح آن حضرت خواهد بود؛ چنانکه خداوند در آیه ۶۱ سوره آل عمران امیرمؤمنان علی(ع) را نفس و جان پیامبر(ص) دانسته و سطح مقامی و عملی ایشان را نیز تعیین نموده است. امام باقر(ع) می‌فرماید که علم وصی پیامبر(ص) در سطح آن حضرت است و این به دلیل همان وصایت است و این‌گونه نیست که آنان بیش از پیامبر(ص) بدانند. سؤال شد: آیا اوصیا چیزی را می‌دانند که پیامبران نمی‌دانند؟ فرمود: نه! و چگونه وصی می‌توانند دانشی را داشته باشد که بیرون از دایره وصایت باشد؟(بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۸۱)

چهار نکته پنهان

■ محمدمهدی رشادتی

امام اول شیعیان(ع) فرمود: خدای متعال چهار نکته را در چهار چیز پنهان کرده است: ۱) رضای خدا را در همه طاعت‌ها پنهان ساخته است. بنابراین هیچ اطاعتی را کوچک نگیر، شاید رضای خدا در همان باشد و تو از آن بی‌اطلاع باشی. ۲) خشم و غضب خود را در همه گناهان مخفی کرده است، بنابراین هیچ گناهی را کم و ناچیز محسوب نکن، شاید خشم خدا در همان گناه کوچک باشد و تو از آن بی‌خبر باشی.۳) خداوند اجابت خود را در همه دعاها پنهان کرده است. بنابراین هیچ دعایی را کوچک به حساب نیاور، شاید استجابت را در همان دعا قرار دهد و توخبر نداشته باشی. ۴) خداوند دوستان خود را در همه بندگانش پنهان ساخته است. بنابراین هیچ بنده‌ای را کوچک و پست مشمار، شاید همان شخص دوست خدا باشد و تو غافل باشی.

(خصال ج ۱ ص ۱۹۸)

از امام رضا(ع) منقول است: کسی که در گناه اندک از خدا نترسد، قطعا در گناه بسیار هم از او نمی‌ترسد. گناهان کوچک راهی به سوی گناهان کبیره است. شخصی که در برابر خدا از گناه کم ترس نداشته باشد، در گناه زیاد نیز از او نخواهد ترسید. رسول خدا(ص) فرمود: مؤمن گناه خود را همچون تخته سنگی بزرگ می‌بیند که می‌ترسد به رویش بیفتد و کافر گناه خویش را مانند مگسی می‌بیند که از جلوی بینی‌اش عبور می‌کند.

(میزان الحکمه ج ۱ ص ۳۳۹)

*** از امام رضا(ع) منقول است : کسی که در گناه اندک از خدا نترسد، قطعا در گناه بسیار هم از او نمی‌ترسد. گناهان کوچک راهی به سوی گناهان کبیره است.**

مرحوم مجتهدی تهرانی می‌فرمود: هیچ گناهی را کوچک نشمارید و به کوچکی آن نگاه نکنید، نگاه کنید ببینید مخالفت چه کسی را کردید. شاید غضب خدا در همین گناه باشد. از آن طرف هیچ عبادتی را هم کم ندانید که شاید رضایت خدا در همین عبادت باشد. دست کوری را می‌گیری و از این طرف خیابان به آن طرف می‌بری، نگو این که چیزی نیست، یک وقت می‌بینی که همین کار کوچک، تو را بهشتی کند. (طریق وصل ص ۲۸)

مجتهدی تهرانی در جایی دیگر می‌گوید: هیچ بنده‌ای از بندگان خدا را کوچک نشمارید و به هیچ کس اهانت نکنید. اگر سنش از شما بیشتر بود، بگویید از من بهتر است چون عمرش بیشتر است و عبادت بیشتری انجام داده است. اگر سنش کمتر از شماست، بگویید، از من بهتر است چون گناه کمتری کرده است. اگر همسن شماست، بگویید، من از گناه خودم خبر دارم و از گناه او بی‌خبرم. همه را احترام بگذارید. (طریق وصل ص ۱۲۸)

شخصی در بنی‌اسرائیل فاسد بود به طوری که او را از خود راندند. روزی آن شخص از راهی می‌رفت، به عابدی برخورد کرد که کبوتری بالای سر او پرواز می‌کرد. نزد آن عابد رفت و همان جا نشست. وقتی عابد او را دید با خود گفت: من عابد هستم و او فاسد است. چگونه کنار من بنشیند، لذا از او رو گردانید و گفت: از پیش من بلند شو برو. خداوند به پیامبر آن زمان وحی فرستاد که نزد آن دو نفر برو و بگو اعمال خود را از سر بگیرند. زیرا من تمام گناهان آن فاسد را بخشیدم و اعمال عابد را به خاطر تحقیر آن شخص محو کردم. (هزار و یک حکایت اخلاقی ص ۵۰۶)

عابد که نه از بهر خدا گوشه نشیند
بیچاره در آئینه تاریک چه بیند
(گلستان سعدی ص ۱۶۶)

آورده‌اند: یک کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا در نطق انتخاباتی‌اش چنین گفت: ما همه با هم برابریم، رنگ پوست معیار خوبی برای جدا کردن آدم‌ها نیست. همه مثل هم هستیم، چه سفیدهای خوشگل، چه سیاه‌های بوگندو، چه زردپوست‌های کوتوله زردنبو و چه سرخ‌پوست‌های وحشی، هیچ کدام با هم فرق ندارند. (هزار و یک حکایت اخلاقی ص ۵۰۱)

نبیند مدعی جز خویشتن را
که دارد پرده پندار در پیش
گرت چشم خدا بینی ببخشند
نبینی هیچ کس عاجزتر از خویش
(گلستان سعدی ۶۶).

کسی که تاکنون نماز نخوانده است چگونه باید توبه کند؟

نماز بهترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود، همان طور که اگر انسان شبانه‌روز پنج نوبت در نهر آبی شست‌وشو کند، آلودگی در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند و سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک شمارد مانند کسی است که نماز نمی‌خواند، یکی از سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که کسی که تا کنون نماز نخوانده چگونه باید توبه کند؟ مرکز تخصصی نماز در جواب این پرسش این گونه می‌گوید:

توبه با یک جرقه آغاز می‌شود، جرقه‌ای که در آغاز تنها یک نقطه نورانی و کوچک در قلب است، امّا به تدریج تمامِ آسمانِ تیره و تاریک قلب را فرا می‌گیرد. این نقطه نورانیِ سفید، انسان را از گذشته تاریک به آینده روشن می‌برد. نسبت به گذشته تاریک و سیاه، احساس تلخی، پشیمانی و ندامت می‌کند و آسمانِ ابر گرفته قلب برای آینده‌ای روشن آماده بارش رحمت الهی می‌شود.

قرآن، این کتاب نوید بخشِ رحمت، به همه مؤمنان فرمانِ توبه می‌دهد. در سوره تحریم، آیه ۸ می‌فرماید:ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با اخلاص کامل توبه کنید، باشد که پروردگار از گناهان شما در گذرد و به باغ‌هایی واردتان کند که در آن جویبارهایی جاری است(۱).

حقیقت توبه و استغفار، پشیمانی از گناه گذشته و عزم و تصمیم بر عدم ارتکاب آن در آینده است. اگر این حالت برای کسی پیش آمد، این نشانه توبه واقعی است و پذیرفته شدن توبه واقعی حتمی است، اگر توبه واقعی صورت گیرد، قبولی آن از طرف خداوند قطعی است، چون خداوند فرموده: او است که توبه را از بندگانش پذیرا می‌شود و گناهان را می‌بخشد(۲).

***حقیقت توبه و استغفار، پشیمانی از گناه گذشته و عزم و تصمیم بر عدم ارتکاب آن در آینده است. اگر این حالت برای کسی پیش آمد، این نشانه توبه واقعی است و پذیرفته شدن توبه واقعی حتمی است، اگر توبه واقعی صورت گیرد، قبولی آن از طرف خداوند قطعی است.**

روزی حضرت علی(ع) مردی را دید که بدون توجّه به شرایط توبه فقط با زبان می‌گفت: «استغفر الله»، حضرت به او فرمود: می‌دانی استغفار چیست؟ آنگاه شرایط استغفار را برای او توضیح داد و فرمود:

اوّل: باید از کارهای ناشایست گذشته‌ات پشیمان باشی؛

دوم: آنکه تصمیم بگیری دیگر سراغ کارهای زشت قبلی نروی؛

سوم: اگر حقّی از بندگان خدا برعهده توست (قرضی گرفته‌ای و پس نداده‌ای یا به زور چیزی را از مردم گرفته‌ای و یا...) ادا کنی؛

چهارم: اگر حقی از خدا بر عهده توست (مثلاً نمازهایی از تو قضا شده و نخوانده‌ای) آنها را ادا کنی و....

آنگاه پس از این مراحل با زبان بگویی:«استغفرالله»(۳)

پس توبه یک لفظ نیست؛ بلکه یک تحوّل در درون انسان و زندگی او است.

پس از پیدا شدن حالت توبه و پشیمانی و ندامت از کارهای ناپسند، چند عمل سزاوار است:

یک - سه روز روزه گرفتن؛ حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید: «توبه نصوح که خداوند به آن امر فرموده، روزه گرفتن روز چهار شنبه، پنج شنبه و جمعه است».(۴)

دو - غسل توبه؛ حضرت رضا(ع) به کسی که می‌خواست از گناه «استماع» غنا توبه کند، فرمود: «فَاغْتَسِلْ وَ صَلِّ مَا بَدَا لَکَ فَلَقَدْ کُنْتَ مُقِیماً عَلَی أَمْرٍ عَظِیم»(۵)؛ برخیز و غسل کن و هر چه می‌خواهی نماز بخوان زیرا مداومت بر گناه بزرگی می‌کردی.

سه - خواندن دو یا چهار رکعت نماز؛ امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر بنده‌ای که گناهی کرد، پس برخیزد و تحصیل طهارت کند (وضو بگیرد) و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند طلب آمرزش کند، بر خدا است که توبه‌اش را بپذیرد».(۶)

چهار - استغفار و خواندن دعاهای توبه‌ای که از ائمه اطهار(ع) وارد شده است؛ خصوصاً دعاهای صحیفه سجادیه (بخصوص دعای ۳۱) و نیز مناجات خمسهٔ عشر (بویژه مناجات اول) و... باید هنگام خواندن دعا، معانی آنها را متذکر باشد و سعی کند که حالش با گفتارش یکی باشد.

بعد از توضیح معنا و شرایط توبه، روشن می‌شود که جبران گذشته در مورد نمازهای خوانده نشده، به این است که ما علاوه بر پشیمانی دل، نمازهای قضا شده را بجا بیاوریم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. تحریم، آیه ۸
۲.شوری، آیه ۲۵
۳.نهج‌البلاغه دشتی، قصار ۴۱۷
۴.وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۸
۵.مستدرک‌الوسائل، ج۲، ص ۵۱۲
۶.وسائل‌الشیعه، ج۱۶، ص ۷۹.

از: فارس